

Economic and Sharia Roots of the Failure to Realize Usury-Free Banking in Iran

Mahdi Farhang Delir¹

2

Vol. 2
Autumn 2025
P.P: 74-95

Research Paper

Received:
10 September 2024
Accepted:
2 March 2025

Abstract

After the implementation of the Interest-Free Banking Law in Iran and the emergence of its shortcomings, numerous questions have been raised regarding the challenges of interest-free banking. The main issue is why interest-free banking has not been fully realized in Iran and what Sharia-related and economic factors have contributed to this failure. Do the interest-free banking laws in Iran fully align with the principles of Sharia? Has Iran's economic structure or the banks themselves hindered the complete implementation of interest-free banking? Or has the lack of proper oversight and enforcement of interest-free banking laws led to its incomplete realization? This research, using the method of content analysis of documents and laws, analysis of fatwas (religious rulings) from Islamic jurists, and interviews conducted with jurists, economists, and banking experts, categorizes these issues into two types: surface-level issues (including the domain of laws, executive regulations, and the executors and stakeholders of the banking system) and foundational issues related to the structure of the banks. The study concludes that the primary problem of the country's banking system lies in the structure of the banks themselves, and this structural issue has two fundamental roots. First, the elimination of interest as the central pillar of conventional banking and the lack of a suitable Sharia-compliant alternative in the interest-free banking system. Second, the impracticality of implementing the Islamic contracts designated in the banking system. Therefore, the solution is to establish a different framework for monetary relations.

Keywords: Bank, interest-free banking, structural problems

¹ Researcher of the Higher Institute of Fiqh and Islamic Sciences, Iran
farhangdelir61@gmail.com

ریشه یابی اقتصادی و شرعی عدم تحقق بانکداری

بدون ربا در ایران

مهدی فرهنگ دلیر^۱

چکیده

پس از اجرایی شدن قانون عملیات بانکداری بدون ربا در ایران و ظهور اشکالات آن، سئوالات فراوانی درباره چالش‌های بانکداری بدون ربا صورت گرفته است؛ مسئله اصلی این است که چرا بانکداری بدون ربا در ایران به طور کامل محقق نشده است و چه عوامل شرعی و اقتصادی در این عدم تحقق نقش داشته‌اند؟ آیا قوانین بانکداری بدون ربا در ایران با اصول شریعت همخوانی کامل دارد؟ آیا ساختار اقتصادی ایران یا خود بانک‌ها مانع اجرای کامل بانکداری بدون ربا در ایران شده است؟ یا ضعف در نظارت و اجرای قوانین بانکداری بدون ربا باعث عدم تحقق آن شده است؟ این تحقیق با روش تحلیل محتوای اسناد و قوانین، تحلیل استفتانات مراجع تقلید و مصاحبه‌های صورت گرفته با فقهاء، اقتصاددانان و کارشناسان بانکی، ضمن دسته بندی این اشکالات در دو نوع روبنایی شامل (حوزه قوانین، آیین‌نامه‌های اجرایی و مجریان و ذی‌نفعان نظام بانکی) و زیربنایی مربوط به ساختار بانک‌ها، نتیجه گرفته است که اصلی‌ترین مشکل نظام بانکی کشور مربوط به ساختار خود بانک‌هاست و این مشکل ساختاری دو ریشه اساسی دارد. اول) حذف بهره به عنوان رکن محوری نظام بانکی متعارف و عدم جایگزین شرعی مناسب برای آن در نظام بانکداری بدون ربا؛ دوم) عدم قابلیت اجرای عقود اسلامی تعیین شده در نظام بانکی؛ بنابراین راهکار این است که بستر دیگری برای روابط پولی فراهم گردد.

کلیدواژه‌ها: بانک، بانکداری بدون ربا، اشکالات شرعی، اشکالات اقتصادی

۲

سال دوم- شماره ۱
بهار ۱۴۰۴
ص: ۷۴-۹۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۶/۲۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۱۲/۱۲

DOR:.....

۱. نویسنده مسئول: پژوهش‌ورز موسسه عالی فقه و علوم اسلامی، ایران

مقدمه و بیان مسئله

بحث بانک داری اسلامی از دهه هفتاد میلادی با انتشار کتاب البنك اللاربويه شهید صدر شکل گرفت و بانک‌های مختلفی در جهان اسلام با الگوگیری از آن تاسیس شد و با گذشت کمتر یک دهه از این جریان، نظام بانک داری بدون ربا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز به کرد (ایروانی، ۱۳۹۵ ص ۲۴۴). پس از تنظیم قانون عملیات بانکی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ و تأیید شورای نگهبان، بانکها موظف شدند بر اساس این قانون و آیین نامه و دستورالعمل‌های اجرایی آن عمل کنند. اکنون نزدیک به چهل سال از قانون بانکداری بدون ربا در ایران می‌گذرد و با وجود موفقیت‌های نسبی که در عرصه بانکداری اسلامی در کشور حاصل شده است (همان، ص ۲۹۵). اما در این مدت عملکرد بانک‌ها نشان داده که این قانون در عمل نتوانسته اهداف نویسندگان و تدوین کنندگان آن را که حذف ربا از سیستم پولی کشور و کارایی نظام اقتصادی اسلامی بود را حل کند. نتیجه اینکه شبهه ربا همچنان در نظام بانکی وجود دارد. «غلامرضا مصباحی مقدم» یکی از صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «با وجود تأکید قانون بر حذف ربا از نظام بانکی، همچنان شاهد شیوه‌های گوناگون شبهه ربا هستیم». ایرج توتونچیان، نویسنده کتاب پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری می‌نویسد «هم‌اکنون عملکرد بانک‌های کشورمان این نکته را به اذهان تداعی می‌کند که در بانکداری موجود تنها اسم و عنوان و یا قالب کارها تغییر کرده است و در واقع عملکرد آنها همان عملکرد بانک‌های ربوی است». برخی از مدافعان اقتصاد و بانکداری اسلامی نیز معتقداند «اگر چه اجتناب از ربا هدف اصلی نظریه پردازان بانکداری بدون ربا و انگیزه اصلی قانون‌گذاران و مجریان وقت بوده است، اما عملکرد چند سئله نظام بانکی نشان می‌دهد جهت‌گیری نظام به سمت حاکمیت حقیقت ربا و بازگشت به بانکداری ربوی است» (اصغری، ۱۳۸۴، ص ۱۵). مراجع محترم تقلید بارها بر ربوی بودن عملیات بانکی موجود و همچنین اشکالات ساختاری آن تذکر و هشدار داده‌اند. لذا برخی فقهاء فتوا داده‌اند که به صرف قوانین نمی‌توان عملیات بانکی کشور را حمل بر صحت کرد (بهجت، ۱۴۲۸ق، ج ۳ ص ۱۸۸):

۱. حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: اگر ما در زمینه اقتصادی و در زمینه تشکیلات اداری هم توصیه اسلام را عمل می‌کردیم، یقیناً وضعمان بهتر از این بود. ما آنچه را که در زمینه‌های اقتصادی عمل کردیم متأسفانه یک نسخه مخلوط است. ما بانکداری بدون ربای اسلامی را در اواخر حیات امام راه انداختیم، اما ناقص (۱۳۹۸/۷/۹).

مسئله اصلی در این تحقیق این است که چرا بانک‌داری بدون ربا در ایران به طور کامل محقق نشده است و چه عوامل شرعی و اقتصادی در این عدم تحقق نقش داشته‌اند؟ آیا قوانین بانک‌داری بدون ربا در ایران با اصول شریعت (به ویژه مبانی فقهی مرتبط با ربا) همخوانی کامل دارد؟ چه چالش‌های فقهی در طراحی و اجرای تسهیلات بانکی بدون ربا وجود دارد؟ آیا ساختار اقتصادی ایران (مانند تورم بالا، نرخ سود بانکی و مشکلات نقدینگی) مانع اجرای کامل بانک‌داری بدون ربا در ایران شده است؟ آیا بانک‌ها به دلیل فشارهای اقتصادی مجبور به استفاده از روش‌های غیر شرعی شده‌اند؟ آیا ضعف در نظارت و اجرای قوانین بانک‌داری بدون ربا باعث عدم تحقق آن شده است؟ آیا بانک‌ها و مشتریان به دلیل عدم آگاهی کافی از مفاهیم بانک‌داری بدون ربا، به سمت روش‌های ربوی گرایش پیدا کرده‌اند؟ و آیا این مساله به قانون برمی‌گردد یا مجریان و یا ساختار؟ یا اینکه همه این عوامل در مسئله دخیل‌اند؟ برای پرداختن به این مساله از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای اسناد و قوانین، مخصوصاً قوانین بانک‌داری بدون ربا در ایران و مقایسه آن با قواعد شرعی مرتبط با ربا در فقه اسلامی، تحلیل استثنائات مراجع تقلید و مصاحبه‌های صورت گرفته با فقهاء، اقتصاددانان و کارشناسان بانکی برای درک چالش‌های شرعی و اقتصادی بانک‌داری بدون ربا، استفاده شده است و سعی دارد با ریشه‌یابی این مسئله در نهایت راهکارهایی برای تحقق نهادهای مالی اسلامی در کشور ارائه دهد.

پیشینه تحقیق: در طول سالهای پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا، بررسی‌های فراوانی درباره اشکالات نظام بانکی کشور صورت گرفته که هر کدام در جای خود حائز اهمیت است. در مجموع این تحقیقات را می‌توان در دو دسته طبقه بندی کرد: دسته اول: تحقیقات با رویکرد درون سیستمی است. بیشتر تحقیقاتی که از سوی اقتصاددانان اسلامی صورت گرفته ناظر به همین رویکرد می‌باشد. یعنی سعی کرده، با حفظ ساختار بانک‌ها، اشکالات آن را برطرف و عملکرد نظام بانکی را هم از جهت شرعی و هم اقتصادی بهبود بخشد. یکی از برجسته‌ترین محققانی که با این رویکرد سالها تلاش کرد، سید عباس موسویان بود که تحقیقات زیادی را به صورت فردی و گروهی درباره اشکالات بانکداری بدون ربا انجام داد. مهم‌ترین و جامع‌ترین

آیت الله مکارم شیرازی: بانکداری از غرب برای ما آمده و ما اسم اسلامی را بر آن گذاشتیم که متأسفانه نه محاسن بانکداری غربی را دارد و نه اسلامی است. / سود بانکی در کشورهای غربی بین ۴ تا ۶ درصد است، اما در بانکداری اسلامی تا ۲۸ درصد از مردم سود می‌گیرند. (۹۷/۲/۱۵) ایشان اشکالات سیستم بانکی را به دو بخش زیربنایی و روبنایی تقسیم کرد و افزود: در حوزه اشکالات زیربنایی یکی از موارد این است که برخی قراردادهای سیستم بانکی از نظر شرعی درست نیست و در حوزه روبنایی نیز در اجرا برخی تخلفات صورت می‌گیرد که از آنها جلوگیری شود/ بانکها نباید تقلیدی از بانک‌های خارجی داشته باشد. (۹۵/۲/۱۸)

اثر او کتاب «بانکداری اسلامی، مبانی نظری - تجارب عملی» است که ۱۵ مورد از آسیب‌های عملکرد نظام بانکی کشور را بر شمرده و توضیح داده است. اثر دیگر در این باره کتاب «پول و بانکداری اسلامی» است (ایروانی، ۱۳۹۲). این کتاب با همین رویکرد ۱۷ مورد از مشکلات بانکداری بدون ربا را بر شمرده است. در برخی دیگر از تحقیقات یک اشکال خاص بانکداری بدون ربا بررسی شده است مثل کتاب بررسی فقهی و حقوقی جرمه تأخیر (محمد رضا مالک، ۱۴۰۰).

دسته دوم: تحقیقات با رویکرد برون سیستمی است که نظام بانکی را با حفظ ساختار آن قابل اسلامی شدن نمی‌داند. البته این رویکرد جدید است و تحقیقات کمی در این باره صورت گرفته است؛ از جمله کتاب «بانکداری اسلامی، رویکردی اقتصادی و فقهی» (شعبانی، ۱۳۹۲). طبق این تحقیق سیستم اقتصاد اسلامی و سرمایه داری هر کدام مقتضیات و ویژگی‌های خاص خود را دارند و انتقال بانک به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء سیستم سرمایه داری با همان ماهیت، کارکردها، وظایف و ویژگی‌ها به سیستم اقتصاد اسلامی مطمئناً با چالش‌هایی همراه خواهد بود و برای اینکه این سیستم با کلیت اقتصاد اسلامی هم‌خوانی داشته باشد، آن سیستم را باید اصلاح کرد. بنابراین بانکداری سرمایه داری با سیستم اسلامی هم‌خوانی و ملازمت ندارد و این هم‌خوانی تنها با حذف ربا ایجاد نمی‌شود؛ زیرا هنوز ماهیت بانک ماهیت سرمایه داری است. اسلامی کردن سیستم بانکی یعنی تغییر کلیه وظایفی که بر سیستم بانکی مترتب است. در این مقاله ضمن دسته بندی و بیان تازه از اشکالات بنایی، اشکالات مبنایی و ساختاری مورد تکیه قرار گرفته و سعی شده با استدلالهای فقهی و اقتصادی متعدد اهمیت این اشکالات بیش از پیش معلوم گردد و نیز ریشه آن اشکالات روبنایی نیز مشخص گردد. اهمیت این نوشتار از آن جهت است که با ریشه‌یابی اشکالات بانکداری بدون ربا می‌توان اشکالات نظام بانکی کشور را به صورت اساسی رفع نمود.

قبل از ورود به بحث و برای روشن شدن موضوع لازم است که منظور از بانکداری بدون ربا و فرق آن با بانکداری اسلامی مشخص شود، تا در ادامه اشکالات آن مورد بررسی قرار گیرد.

بانکداری بدون ربا: بانکداری بدون ربا یعنی همان نظام بانکداری سنتی و ربوی که پیش‌نیازها و مقتضیات اسلام را لحاظ کرده و همگام با این مقتضیات حرکت می‌کند. به عبارت دیگر ربا را از آن حذف کرده‌اند تا مدل بانکداری مطابق با شریعت یا بانکداری اسلامی پدید آید. این دیدگاه به طور بنیادین مویذ بانکداری مالی غربی با پیش‌فرض‌های اسلامی است (موسویان، ۱۳۹۳ ص ۸۱).

بانک‌داری اسلامی:

نظریه آرمانی در اسلام «بانک‌داری اسلامی» است. قائلان به شیوه بانک‌داری اسلامی بر این باورند که باید بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی نوینی در جهت رسیدن به هدف‌های سیاسی نظام اسلامی به طور عام و نظام اقتصادی اسلامی به طور خاص تاسیس شود (عیوض لو و حسکویی، به نقل از موسویان ۱۳۹۳ ص ۸۲).

اشکالات وارد بر نظام بانکی کشور که بنابر دیدگاه بانک‌داری بدون ربا شکل گرفته چهار محور دارد. و پس از مرور این اشکالات روئینایی قصد داریم با تکیه بر اشکالات ساختاری نشان دهیم که همه این اشکالات ناشی از نادرستی دیدگاه بانک‌داری بدون رباست که گمان می‌کند به صرف حذف ربا می‌شود نظام بانکی کارآمد و مشروع در جامعه اسلامی به وجود آید.

انواع اشکالات نظام بانکی کشور:

در یک تقسیم بندی کلی مجموع اشکالات وارد بر سیستم بانکی کشور را می‌توان به ۲ نوع تقسیم کرد: نوع اول: اشکالات روئینایی. این نوع از اشکالات ناشی از ۳ ناحیه است:

- قانون عملیات بانک داری بدون ربا^۱
- آیین نامه‌ها و شیوه‌های اجرایی
- مجریان و ذی نفعان مرتبط به بانک‌ها

نوع دوم: اشکالات زیربنایی که ناشی از ساختار بانکی است.

در باره سه جهت اول تحقیقات نسبتاً مفصلی صورت گرفته است، ولی درباره جهت چهارم چندان بحث نشده و به نوعی از آن غفلت شده است زیرا عمده کسانی که درباره اشکالات بانک‌داری بدون ربا بحث می‌کردند قائل به دیدگاه بانک‌داری بدون ربا بودند نه بانک‌داری اسلامی. ما در این نوشتار ابتدا به اشکالات نوع اول، پرداخته، آثار فقهی و اقتصادی آنها را بررسی می‌کنیم، سپس اشکالات ناشی از ساختار بانکی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱. هرچند اخیراً طرح بانکداری اسلامی از سوی مجلس شورای اسلامی مطرح شده، ولی تنها قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴۰۲/۳/۳۰ تصویب و در ۱۴۰۲/۹/۱۱ ابلاغ شده است (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس: rc.majlis.ir)؛ ولی بخش مربوط به قانون عملیات بانکداری بدون ربا تصویب نشده و لذا همان قانون مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ همچنان پابرجاست.

۱. اشکالات مربوط به قانون عملیات بانکی بدون ربا

۱-۱) عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از نظام بانکی و تبیین قلمرو شمول قانون

در قانون عملیات بانکی بدون ربا با توجه به اینکه سابقه و تجربه قبلی در نوشتن قانون بانکداری اسلامی در میان تنظیم کنندگان آن وجود نداشت، تعریف روشنی از نظام بانکی ارائه نشده و شمول این قانون روشن نیست و تمایزی میان بانکها و موسسات اعتباری غیر بانکی در آن لحاظ نشده است و در نتیجه شمول قانون نسبت به آنها که معاملاتی شبیه بانکها دارند، محل اختلاف است. این امر باعث شده که این موسسات از مزایای این قانون مثل خلق پول بهره مند شوند، ولی محدودیت های مورد نظر این قانون را رعایت نکنند.

..(

۱-۲) عدم قابلیت قانون برای طراحی الگوهای متناسب با انواع بانکها و موسسات اعتباری غیر بانکی

آنچه از مشکلات عمده قانون بانکداری که با گذشت چهل سال خود را بیشتر نشان می دهد، یکسان بودن الگوهایی خاص برای همه است. موسسات اعتباری بانکی یا غیر بانکی نمی توانند متناسب با اهداف و ماهیت خودشان از ابزارها و راهکارهای قانون گزینش کرده به فعالیت اعتباری بپردازند. قانون بانکداری بدون ربا ایران عقود اسلامی را متناسب با «الگوی کسب و کار» بانکها و موسسات اعتباری اختصاص نمی دهد و فرقی میان بانکهای تجاری که معمولاً زود بازده اند و بانکهای تخصصی و توسعه ای که به طور معمول در فعالیت های میان مدت یا بلند مدت فعالیت دارند و سایر موسسات اعتباری که کارکرد خاصی دارند نگذاشته است؛ در حالی که هر یک از روش های اسلامی تجهیز و تخصیص منابع تنها با ماهیت و الگوی کسب و کار برخی از بانکها سازگاری دارند. (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۶۱۴) البته بخشی از این مشکل، به اشکال ساختاری برمی گردد که در آنجا توضیح داده خواهد شد.

۱-۳) عدم جامعیت قانون نسبت به تجهیز منابع (فقدان اهرم قوی در جذب منابع)

یک نظام بانکی کامل باید با طراحی انواع سپرده ها و تسهیلات توان جذب وجوه مازاد همه سپرده گذاران را داشته باشد. در بانکداری ربوی، نرخ بهره از پیش تعیین شده، اهرمی بسیار قوی و مؤثر در جذب سپرده ها به بانک است و بانکها می توانند هر زمان که بخواهند با کم یا زیاد نمودن نرخ بهره،

حجم سپرده‌های بانکی را کاهش و یا افزایش دهند. ولی در بانکداری بدون ربا، به دلیل حرمت ربا و ممنوعیت پرداخت بهره به سپرده‌گذاران، و یا دریافت بهره از دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی، باید از اهرم دیگری جهت دستیابی به این هدف استفاده شود؛ زیرا در حالت‌های مختلف اقتصادی و شرایط ویژه هر زمان، برای اعمال سیاست‌های اقتصادی، دولت‌ها نیازمند به اهرمی قوی می‌باشند، تا بتواند حالت تورمی و یا رکود جامعه را اصلاح نمایند.

از طرف دیگر روحیات و سلیقه سپرده‌گذاران در جوامع اسلامی یکسان نیستند و اهداف مختلفی از سپرده‌گذاری دارند از جمله: (۱) دستیابی به ثواب قرض الحسنه؛ (۲) استفاده از خدمات حساب جاری؛ (۳) پس انداز و بدست آوردن سود (۴) کسانی که به منظور دستیابی به سود معین سپرده‌گذاری می‌کنند و آماده پذیرش ریسک نیستند و (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۶۱۵).

قانون فعلی بانکداری تنها می‌تواند برای گروه‌های اول که انگیزه‌های معنوی دارند و دوم و تا حدودی چهارم انگیزه مناسب ایجاد می‌کند، ولی برای سایر گروه‌ها سپرده‌ای معرفی نمی‌کند. حتی گروه چهارم نیز با توجه به اینکه سود انتظاری نوعاً پایین تر از تورم در کشور است، انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند.

۴-۱) عدم جامعیت و نارسایی قانون نسبت به تخصیص منابع

در ناحیه تخصیص منابع نیز قانون موجود دارای نارسایی‌های عدیده‌ای است و بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی کشور نیز شیوه‌های موجود را به صورت مناسب استفاده نکرده‌اند و این شیوه‌ها با نیازهای متقاضیان تسهیلات انطباق ندارد و مثلاً فردی که نیازمند مخارج درمانی است مجبور به دریافت تسهیلات جماعه تعمیر مسکن می‌شود. در نتیجه خیلی از قراردادهای صوری می‌شود. علاوه بر این امروزه برای تامین مالی پروژه‌های دانش بنیان که ریسک و بازده نسبتاً بالایی دارند، همچنین تامین مالی دولت و شرکت‌های دولتی راه کارهای مناسب وجود ندارد و یا هزینه عملیاتی بالایی دارد. (همان)

۴-۵) نارسایی ابزارهای سیاست پولی استفاده شده در قانون

تنظیم قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران در زمانی بود که بانک‌داری بدون ربا در آغاز راه بود و نظریه بانکداری بدون ربا تقریباً ۱۰ سال قبل از پیروزی انقلاب و از دهه ۷۰ میلادی با تالیف کتاب البنك اللاربوی شهید صدر که به درخواست موسسه اعتباری کویت (لجنة التحضير لبيت التمويل الكويتي) انجام گرفت، شروع شده بود (شعبانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶). بنابراین در خیلی از ابعاد بانکداری به ویژه در مباحث بانک

مرکزی و سیاست‌های پولی و ابزارهای آن تحقیقات مفصلی صورت نگرفته بود. در نتیجه مهم‌ترین ابزارهای مشروع پولی نظام بانکداری، نظیر تغییر در نرخ سپرده قانونی، تغییر در نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز از طریق ابزارهای مالی اسلامی از باب احتیاط توسط طراحان قانون کنار گذاشته شد. این امر باعث شد بسیاری از ابزارهای متعارف سیاست‌گذاری پولی از دسترس بانک مرکزی خارج شود و این بانک مجبور شد به ابزار متناسب با تعالیم اسلامی روی آورد. و تنها ابزار مورد استفاده جهت این سیاست‌گذاری‌ها، اوراق مشارکت است که این ابزار نیز به خاطر ویژگی‌های عقد مشارکت ظرفیت و کارایی کافی برای استفاده جهت عملیات بازار باز را ندارد. (موسویان، ۱۳۹۵، ۶۱۳)

۱-۶) فقدان راه حل جامع و مناسب برای مطالبات معوقه

یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام بانکی مسئله بازپرداخت مطالبات بانکی است. در واقع هنوز راه کار مشخصی برای حل این مشکل که هم کارایی داشته باشد و هم با احکام فقهی سازگار باشد طراحی نشده است. البته هم اکنون راه کار وجه التزام به صورت شرط ضمن عقد با اینکه جزء قانون نیست، در نظام بانکی ایران اجرا می‌شود. کارشناسان بانکداری ابتدا عقیده داشتند که این مورد باید در قانون بانکداری گنجانده شود، ولی با مشخص شدن عدم کارایی این راه حل در طول این چند دهه و نیز به خاطر مخالفت برخی از فقهاء و مراجع با آن این راه کار هم با اشکالات زیادی مواجه است. (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۶۱۱). از جمله اشکالات فقهی و اقتصادی که به اخذ جریمه تأخیر وارد شده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (مالک، ۱۴۰۰: ص ۲۵).

الف) اخذ جریمه تأخیر در قالب «خسارت تأخیر تأدیه» سابقه‌ای در فقه شیعه ندارد و از نظر شرعی جایز نیست؛ همچنان که شرط پرداخت جریمه در قالب وجه التزام در ضمن قرارداد بانکی یا ضمن عقد خارج لازم مشکل ربوی بودن جریمه تأخیر را حل نمی‌کند.

ب) «تعزیر مالی» بدهکار به جرم تأخیر تأدیه نیز نه در سیره مسلمانان وجود داشته، نه بر مشروعیت آن دلیلی از شریعت رسیده، نه عرفاً با ربا تفاوت دارد و نه به مصلحت دولت اسلامی است.

ج) بر فرض هم بتوان از اشکالات شرعی خلاص یافت مشکل دیگری که در اخذ جریمه در بانک‌های کشور وجود دارد این است که قوانین موجود اخذ جریمه هیچ تفکیکی میان کسی که

عمدا اقساط خود را پرداخت نمی‌کند با کسی که به خاطر مشکلات مالی و یا غیر مالی از توان پرداخت آنها عاجز شده، قائل نیست.

د) جرایمی که توسط بانکها اخذ می‌شود بازدارنده نیست و با هدف وضع جرایم که تسویه به موقع بدهی‌هاست، منافات دارد و برای عده‌ای از افراد به صرفه است که با توجه به شرایط تورمی که در کشور وجود دارد، اقساط خود را نپردازند؛ در نتیجه وضع قانون جریمه تاخیر در بسیاری از موارد لغو بوده هیچ فایده‌ای ندارد و یا فایده کمی دارد در حالی که تبعات اجتماعی آن خیلی زیاد است. (سلیمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

۲-۱) فقدان راهکار مناسب برای نظارت شرعی بر فعالیت بانکها

با اینکه قانون بانکداری بدون ربا در ایران در سال ۱۳۶۲ تصویب شده بود، ولی بیش از سی سال و تا سال ۱۳۹۶ هیچ نهادی مسئولیت نظارت شرعی بر اسلامی بودن عملکرد بانکها و موسسات اعتباری غیر بانکی را به طور معین بر عهده نداشت و این باعث شده بود که عملکرد بانکهای کشور در بسیاری از موارد با اصول بانکداری اسلامی تطابق نداشته باشد. تا اینکه با پیگیری اقتصاددانان اسلامی از جمله مرحوم سید عباس موسویان این تلاش‌ها به ثمر نشست و تشکیل شورای فقهی بانک مرکزی، در قانون برنامه ششم اقتصادی در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید. طبق ماده (۱۶) قانون مذکور پنج فقیه و رئیس کل بانک مرکزی و یک نفر حقوق دان آشنای به مسائل بانکی و یک نفر از نمایندگان مجلس و یکی از مدیران بانکهای دولتی اعضای این شورا هستند. (قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی،... مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶).

است.

است.

۲) اشکالات مرتبط با آئین نامه و شیوه‌های اجرای قانون بانکداری

۱-۲) عدم مدیریت استفاده از عقود متعدد بانکداری بدون ربا

گسترده‌گی نوع تسهیلات هر چند به خودی خود یک مزیت به شمار می‌آید، ولی این تنوع به خاطر عدم مدیریت درست و توزیع مناسب آنها میان بانک‌های مختلف باعث مشکلات فراوانی شده، اخذ تسهیلات و اعتبارات را با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه کرده است. زیرا در بانکداری بدون ربا تسهیلات در قالب عقود مشارکتی نظیر مشارکت مدنی، مضاربه و ...؛ یا عقود مبادله‌ای مانند: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و معاملات سلف؛ یا قراردادهای تعهدی، مانند: جعاله و یا قراردادهای قرض الحسنه عرضه می‌شود. تعدد عقود و الزامات شرعی آنها و عدم مدیریت و توزیع آنها در نظام بانکی باعث بروز دو مشکل عمده شده است:

الف. پیچیدگی کار در بانکداری بدون ربا

زیرا همه کسانی که می‌خواهند در نظام بانکی کشور خدمات ارائه کنند و یا خدمات بگیرند، هم باید به قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی مسلط باشند و هم به مقررات شرعی که در اکثر مواقع چنین نیست. در بانکداری ربوی چون بیشتر تسهیلات به صورت وام است، پیچیدگی خاص اجرایی برای سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان وجود ندارد. ولی در بانکداری بدون ربا شیوه وام‌دهی و وام‌گیری تنها در حسابهای قرض الحسنه پس انداز و جاری انجام می‌گیرد و عملیات بانکی در آنها ساده است؛ ولی در سایر وجوه سپرده‌گذاری شده، بانکها به جهت نقش و کالت (واسطه‌گری)، آزادی هر گونه استفاده از وجوه را نداشته، باید مطابق قراردادهای منعقد، به تخصیص آنها بپردازند. ثانياً در اکثر موارد نمی‌توانند میزان سود آنها را از ابتدا مشخص کنند و باید پس از عقد قرار داد با تسهیلات‌گیرندگان اقتصادی آن را تعیین کنند. ثالثاً سپرده‌گذاران هم ناچارند در زمینه میزان کارایی بخشهای مختلف اقتصادی (به منظور سرمایه‌گذاری در آن بخشها) و از مسائل مربوط به قرار داد (جهت مشروعیت آن)، و درباره اختیاراتی که ناگزیر به بانک اعطا می‌کنند، اطلاعاتی کسب کنند. موارد مذکور، ضمن کند نمودن روند سپرده‌گذاری، نظام وام‌دهی و سپرده‌گذاری را پیچیده می‌کند و علاوه بر آن سپرده‌گذاران را با بی‌اطمینانی مواجه می‌سازد. البته هم‌اکنون بسیاری از بانکها منابع لازم برای وام‌های خود را از طریق خلق پول تامین می‌کنند و کاری با میزان سپرده سپرده‌گذاران ندارند.

ب) هزینه بر بودن اجرای صحیح عقود (مشارکتی)

مهم‌ترین هزینه‌هایی که می‌توان در سبد هزینه تسهیلات بانکداری بدون ربا مشاهده نمود عبارتند از:

- ۱- هزینه ارزیابی و کارشناسی؛
- ۲- هزینه نظارت؛
- ۳- هزینه بیمه؛
- ۴- هزینه ثبت؛
- ۵- هزینه اطلاعات و بازاریابی؛
- ۶- هزینه محاسبات سود و زیان؛
- ۷- هزینه‌های زمانی (هزینه فرصت مناسب و طولانی شدن زمان دریافت تسهیلات)؛
- ۸- هزینه جریان ریسک نسبت به اصل سرمایه و سود آن.

این هزینه‌ها و همین‌طور پیچیدگی‌های عملیات بانکی از مهم‌ترین عوامل صوری بودن قراردادهای بانکی و سایر اشکالات شرعی است که در ادامه بررسی خواهد شد.

۲-۲) ضعف در توزیع عادلانه منابع بانکی و ارائه تسهیلات خرد

یکی از اهداف اقتصاد اسلامی برقراری عدالت توزیعی در جامعه اسلامی است و نظام بانکداری اصلی‌ترین وظیفه را در رسیدن به این هدف بر عهده دارد. اما با مراجعه به جامعه متوجه می‌شویم که درآمدهای کشور خیلی نامتوازن توزیع شده و همین امر باعث ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه شده است؛ تسهیلات بزرگ به عده‌ای محدود اعطا می‌شود و عده بسیاری از مردم از دریافت تسهیلات خرد عاجزند؛ چرا که نظام بانکی تسهیلات را به افرادی که اعتبار و وثیقه کافی دارند اعطا می‌کند و آنها هم ثروتمندان جامعه هستند و لذا گرفتن تسهیلات کلان برای عده‌ای خیلی راحت‌تر از گرفتن تسهیلات خرد برای اکثریت جامعه است.

۲-۳) پرداخت سود علی الحساب و عدم محاسبه سود قطعی

چالش دیگری که نظام بانکداری بدون ربا در کشور با آن روبروست، پرداخت سود علی الحساب به سپرده-گذاران است. ریشه این مسأله به عدم منع قانون از پرداخت سود علی الحساب برمی گردد و بانکها این نرخها را عامل رقابت میان خود قرار داده اند و اکثرا این نرخها قطعی تلقی شده و مبنایی برای تسویه به حساب می آید. در حالی که بسیار بعید است که نرخهای سود قطعی دقیقا برابر با نرخ سود علی الحساب باشد (موسویان، میثمی، ۱۳۹۵ ص ۶۱۰). اعلام نرخ سود علی الحساب باعث شده تا عملیات بانکداری بدون ربا مشابه عملیات بانکداری ربوی در سایر کشورها شده و افراد احساس کنند در بانک های کشور به پول نرخ معین و از پیش تعیین شده سود تعلق می گیرد که رابطه ای با فعالیت های اقتصادی ندارد.

۲-۴) استفاده از استانداردهای حسابداری بانکداری متعارف

یکی از ایرادات بانکداری بدون ربا در کشور مسئله حسابداری فعالیت های بانکی است. به عبارت دیگر بدون اصلاح معیارهای حسابداری متعارف اجرای صحیح نظام بانکی بدون ربا ممکن نخواهد بود. یکی از مصادیق این مسئله برخورد مشابه نظام بانکی با انواع سپرده ها است و با اینکه برخی از سپرده ها و کالتهای اصل و سود آنها را همانند سپرده های قرضی در ستون بدهکاری بانکها و جزء هزینه های سرمایه ثبت می کنند (همان). از طرف دیگر با توجه به وکالت بانک، درآمد حاصل از تسهیلات متعلق به سپرده گذار است و بانک فقط حق دارد مبلغی به عنوان حق الوکاله توافقی از درآمدها بردارد و به عنوان درآمد خودش ثبت کند. (مظاهری، خبرگزاری تسنیم، ۲۱ اسفند ۹۶)

۲-۵) دریافت کارمزد غیر متعارف در ارائه تسهیلات

از لحاظ عرفی و شرعی هرگاه شخصی دیگری را اجیر کند، چه با قرار داد باشد و چه بدون آن باید اجرت یا کارمزد آن کار به اجیر پرداخت کرد؛ این اجرت یا در ابتدا تعیین نمی گردد که در اینصورت اجرت المثل به عامل پرداخت می شود و یا توافقی است؛ این کارمزد توافقی باید متناسب با کار بوده و طوری نباشد که عقد سفتهی به حساب آید. اما اغلب کارمزدی که بانکها از مشتریان خود دریافت می کنند خیلی بیشتر از

اجرت واقعی کاری است که آنها انجام می‌دهند. در اینصورت این عقد اجاره باطل خواهد بود و باید اجرت المثل تعیین شود.

۳- اشکالات مرتبط با مجریان و ذی نفعان

۳-۱) ضعف در درک صحیح عقود اسلامی و شیوه جدید بانکداری

براساس تحقیقات به عمل آمده؛ پس از گذشت حدود سه دهه از آغاز تحول در سیستم بانکی کشورمان، هنوز بسیاری از سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران و حتی کارگزاران بانکی، آشنایی کافی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف ندارند و نقل و انتقال وجوه تنها محدود به امضای چند قرارداد شده است. این مساله صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی را مورد تشکیک قرار می‌دهد (آقانظری، ۱۳۸۷ ص ۱۶). همین ضعف در آگاهی و درک عقود اسلامی در کارگزاران و مشتریان بانک‌ها باعث عدم تحقق قصد جدی به مضمون عقد و در نتیجه صوری شدن عقود می‌گردد.

۳-۲) اجرای صوری فعالیت‌ها و قراردادهای بانکی

یکی از چالش‌های مهمی که نظام بانکداری بدون ربا در ایران با آن مواجه است، مسئله صوری سازی است. منظور از صوری بودن عقود اسلامی در عملیات بانکی آن است که طرف معامله با بانک یا هر دو نیت واقعی در رابطه با قراردادی که امضا می‌کنند نداشته باشند؛ به عنوان مثال ممکن است تولیدکننده‌ای با عنوان مضاربه تسهیلاتی را از بانک دریافت کند، اما آن را صرف پرداخت حقوق به کارکنان کند. چنین معامله‌ای صوری خواهد بود و فقط فاکتورها و اسنادی غیر واقعی میان مشتری و بانک رد و بدل شده است. این معضل یکی از بزرگترین عواملی است که مراجع تقلید و بسیاری از مردم بانکداری کشور را اسلامی ندانند.

۳-۳) وابستگی به مسیر و وجود ذی نفعان بزرگ

ممکن است اشکال شود که چرا با وجود اتفاق نظر درباره اشکالات نظام بانکی کشور، هنوز روند بانکداری به شکل کنونی در حال تداوم است؟ در جواب از آن پاسخ‌هایی داده شده، از جمله: مسئله «وابستگی به

مسیر؛ وجود ذی نفعان بزرگ و پرنفوذ در جوامع مختلف؛ مانع از تحقق نظام بانکداری عدالت محور و اسلامی در کشور شده است (معصومی نیا، ۱۴۰۰، ج ۱ ص ۱۳۳)

۴- اشکالات مربوط به ساختار بانک‌ها

به نظر کارشناسان بانکداری، مهم‌ترین چالش نظام بانکی بدون ربا در کشور مربوط به مشکلات نهادی، ساختاری و سازمانی است. (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۶۱۰) این چالش‌ها را می‌توان در سه حوزه خلاصه کرد:

الف) چالش‌های مربوط به ماهیت بانک‌داری:

برخی از مشکلاتی که در بانکداری بدون ربا در ایران مشاهده می‌شود، مربوط به ماهیت خود بانکداری است. یعنی تا زمانی که بانک وجود دارد، چنین مشکلاتی وجود خواهد داشت، هر چند می‌تواند این مشکلات کم یا زیاد باشد. محور اصلی این اشکالات عبارت‌اند از:

۱. غیر اخلاقی بودن: یکی از مهم‌ترین اشکالات بانکداری که در هر سیستم بانکی وجود دارد، نظام «بانکداری ذخیره‌جزئی» است و این یعنی بانک به ازای داشتن اندکی از ذخایر (ذخیره قانونی) مقدار خیلی زیادی از پول بانکی را می‌آفریند. این اشکال در نظام بانک داری بدون ربا نیز عینا وجود دارد و مشکلات و تبعات زیادی را در جوامع به وجود آورده است. این اشکال در برخی تعابیر با عنوان «عدم شفافیت تعددی» و در برخی تعابیر شدیدتر نوعی «فریب» مطرح شده است؛ زیرا مردم تقریباً میان «گواهی‌ها پولی» که سندی دال بر وجود پول نقد در انبار پول معادل رقم درج شده روی آن است و «سند بدهی» که صرفاً دلالت بر بدهی فردی به فرد دیگر دارد، فرقی نمی‌گذارند و خیال می‌کنند که به میزان همان ارقامی که در حساب‌های خود مشاهده می‌کنند در بانک پول وجود دارد، در حالی که چنین نیست. به نظر آله (برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۸) کاری که بانک می‌کند عملاً مشابه کار جاعلان پول است، صرفاً ذی نفع جعل پول تغییر کرده است. (معصومی نیا، ۱۴۰۰، ج ۱ ص ۱۳۳).
۲. ضد ثبات بودن: ویژگی خلق پول که نظام بانکداری به آن مبتلاست، باعث از بین رفتن ثبات در بازار شده است. این محور شناخته‌شده‌ترین منطق در نقد و رد سیستم بانکداری امروزی است. اقتصاددانان نزدیک به جریان کلاسیک به خصوص جریان مکتب شیکاگو از جمله فریدمن و فیشر معتقدند که

رویه جاری بانکداری از منشأهای اصلی بروز بی ثباتی در اقتصادهای امروزی است. این بی ثباتی دو منشأ عمده در سیستم بانکی دارد: اول بی ثباتی ذاتی بانکداری ذخیره جزئی؛ دوم ایجاد نوسانات و چرخه های تجاری در اثر قبض و بسط پول بانکی.

۳. تبعیض و بی عدالتی: برخی منتقدان بانکداری امروز، آن را رویه ای تبعیض آمیز و دارای جهت گیری های صریح و ضمنی در جهت نابرابر کردن توزیع منافع در اقتصاد می دانند. به عنوان نمونه یکی از محورهای بی عدالتی، امکان قرض گرفتن بانکها از بانک مرکزی است، در حالی که هیچ یک از کسب و کارهای بازاری غیر از بانکها قادر نیستند که در صورت کسری وجوه نقد و نیاز به تامین مالی به منابع پول قدرت بانک مرکزی دسترسی پیدا کنند. یکی دیگر از نمودهای بی عدالتی «خصوصی سازی سود و عمومی سازی ریسک» می باشد به این معنی که منافع بانکداری متعلق به بانکداران و مرتبطین آنهاست در حالی که زیانهای بالقوه آن از جیب مردم و تورم ناشی از افزایش پایه پولی جبران می شود.

۴. «عدم توان اعمال حاکمیت توسط دولت» این اشکال بیشتر درباره بانکهای خصوصی بروز می کند. در کشور ما به دلیل عدم تدوین نظام نظارتی قوی توسط سیاستگذار پولی و عدم استقلال بانک مرکزی، نظارت و کنترل جامعی بر بانکهای خصوصی وجود ندارد لذا این بانکها با وجود ناترازی شدید و خلق نقدینگی در کشور، از سوی نهادهای مالی و پولی تنبیه نمی شود و همین مانع از تحقق بانکداری کارا و سالم و مطابق با اسلام شده است.

۵. تغذیه فعالیت های نامولد یا کمتر مولد؛ این اشکال مربوط به ناسازگاری تصمیمات بانک در انتخاب مقصد وام دهی با «خیر عمومی» است و برخلاف اشکالات قبلی که جنبه نظری و بنیادی داشتند، مربوط به عملکرد بانکهاست.

۶. مسئله خلق پول: یکی دیگر از چالش های مهم نظام بانکداری متعارف است که اختلاف نظرهای فراوانی درباره آن هم میان اقتصاددانان ها وجود دارد. برخی از اقتصاددانان اسلامی خلق پول را به صورت مشروط در بانکداری بدون ربا ممکن می دانند و معتقدند از لحاظ شرعی نیز تا زمانی که متناسب با نیازها و

عملکرد واقعی اقتصاد باشد، اشکالی ندارد بلکه لازم است (موسویان، ۱۳۹۵ ص ۳۰۸). در مقابل برخی دیگر معتقدند: خلق پول از لحاظ اقتصادی مشکلات بیشماری از جمله بی ثباتی اقتصادی، بی ثباتی در عرضه پول، افزایش تمایلات تورمی، رشد اجباری، افزایش نابرابری و مانع تحقق اهداف نظام اسلامی می شود و از لحاظ شرعی نیز موجب اکل مال به باطل می گردد. از این رو امکان خلق پول توسط نظام بانکی به شکل کنونی در نظام مالی اسلامی را منتفی می داند (صمصامی، کیانپور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). انتقادات بانکداری متعارف به همین جا ختم نمی شود و اشکالات دیگری از جمله: نفوذ مخرب بانکها در بخش مالی، ضعف نظارت در سیستم مالی، تضاد منافع در عملیات بانکی، مطالبات معوق در سیستم بانکی و که به خاطر اختصار از بیان آنها صرف نظر می کنیم (ر.ک معصومی نیا، ۱۴۰۰؛ ص ۵۰). همانطور که از اشکالات فوق مشخص شد، هر موسسه ای که به نام بانک در هر جای دنیا فعالیت می کند، این اشکالات اساسی را کم و بیش داراست و می توان گفت این عوارض مربوط به ماهیت بانک است و نمی توان در عمل هیچ بانکی را از آنها جدا کرد. بنابراین نظام بانکی در ایران، علاوه بر مشکلات اساسی، از لحاظ اجرای قانون عملیات بانکداری ربا نیز با اشکال روبروست.

ب) ناسازگاری سازمانی بانکها با نظام غیر ربوی

فارغ از اشکالات قانونی و اجرایی، نظام بانکی کشور از یک مشکل سازمانی و ساختاری رنج می برد که این باعث شده در عمل به این قانون چندان موفق نباشد و هم مشکل ربوی بودن و هم عدم کارایی اقتصادی در آن پابرجا بماند. به عبارت دیگر سازماندهی کنونی بانکهای کشور برای اجرای صحیح عقود مختلف (به خصوص عقود مشارکتی) مناسب نیست؛ زیرا در اینگونه عقود لازم است که بر پروژه ها نظارت داشته باشند و بعد از حصول سود، آن را میان خود و سپرده گذار و تسهیلات گیرنده تقسیم کنند. اما به دلیل هزینه بر بودن این امر و اینکه هیچ موسسه یا نهادی در کشور وجود ندارد که بتواند این خدمت را به بانکها عرضه کنند.

منشا این ناسازگاری را در دو نکته می توان بیان کرد:

(۱) حذف بهره و ربا از نظام بانکی متعارف:

به جرأت می توان گفت که مهم ترین رکن نظام بانکداری بلکه کل اقتصاد متعارف، وجود بهره در نظام بانکی و سایر اجزاء اقتصاد است. در حقیقت بهره و نرخ بهره مهم ترین ابزار نظام بانکداری ربوی است و

همانند خون در رگ‌های بدن برای آن سیستم عمل می‌کند و اگر نرخ بهره از نظام پولی و بانکی اقتصاد متعارف گرفته شود، از هم می‌پاشد، زیرا در نظام بانکداری ربوی نرخ بهره به عنوان یک ابزار پنج نقش اصلی را بر عهده دارد:

جذب و تشویق مردم برای سپرده‌گذاری و پس انداز مازاد درآمد در بانک

کنترل و هدف گذاری برای رسیدن به سپرده بهینه و برنامه ریزی شده

اعطای تسهیلات و تخصیص منابع برای فعالیتهای سرمایه گذاری.

اعطای تسهیلات بر اساس معیارها و اولویتهای تخصیص

کنترل و هدف گذاری میزان سرمایه گذاری کل و تخصیص منابع سرمایه گذاری (شعبانی، ۱۳۹۲ ص ۱۴۹).

با توجه به این نکته، وقتی در نظام بانکداری بدون ربا، بهره و نرخ بهره حذف شود، از لحاظ نظری امکان حیات برای این سیستم وجود ندارد، زیرا نمی‌توان جای خون در رگ را با چیز دیگری پر کرد و انتظار داشت بتواند کارایی لازم را داشته باشد. آنچه در تغییر نظام بانکداری متعارف به بانکداری اسلامی رخ داد چیزی شبیه به این بود. تجربهٔ چهل سالهٔ بانکداری بدون ربا نیز در ایران نشان داد که با وجود تلاش زیاد اقتصاددانان اسلامی ابزارهای جایگزین بهره نتوانست این قابلیت‌ها را داشته باشد. نتیجه این شد که نظام بانکداری بدون ربا در کشور هم کارایی اقتصادی را از دست داد و هم از اجرای تعالیم و احکام مالی اسلامی بازماند و نتوانست اهداف متعالی اقتصاد اسلامی را که تحقق عدالت در جامعه و تعالی انسان بود را محقق سازد.

این مسئله از مباحث چالشی در اقتصاد اسلامی و مورد اختلاف در میان محققان بانکداری اسلامی است. برخی معتقدند که می‌توان همین سیستم بانکداری متعارف را با قوانین بانکداری بدون ربا و طراحی عقود اسلامی در آن بهینه کرد و کارایی مطلوب را به آن بخشید. اکثر اشکالات نظام بانکداری بدون ربا که در بخش اول و دوم این مقاله گذشت بر اساس این مینا بود. این کارشناسان، معتقدند که چالش‌ها و اشکالات بانکداری ربوی مربوط به قوانین بانکداری بدون ربا و اجرای آنهاست و می‌شود همین سیستم بانکی متعارف را با اصلاح قوانین و اجرای صحیح آنها اسلامی نمود. به عنوان مثال یکی از کارشناسان بانکداری

در کتاب خودش می نویسد: «هر چند تا کنون بانکداری به مرور پیشرفت کرده است، اما جوهره اصلی فعالیت تمام بانک ها همان کارکردهای پنج گانه مذکور است و تغییراتی که در بانکداری بدون ربا مطرح می شود باید به گونه ای باشد که جوهره اصلی بانک ها حفظ شود ولی نه از طریق ابزار نرخ بهره.» (شعبانی، ۱۳۹۲ ص ۱۴۹).

البته برخی از این محققین از جمله مرحوم موسویان اخیراً در مباحث چالش های بانکداری بدون ربا، چالش های سازمانی و ساختاری را به عنوان مهم ترین چالش نظام بانکی بدون ربا قلمداد نمود (میثمی، ۱۳۹۵ ص ۶۱۵).

به نظر می رسد که همین نگاه «حفظ اصل سیستم و تغییر در اجزاء غیر اسلامی آن» مهم ترین ایراد نظام بانکداری ربوی در ایران است. به قول یکی از اقتصاددانان اسلامی، استنباط متعارف از اقتصاد اسلامی یک ساختار مالی بدون بهره است و در بسیاری از موارد حذف بهره هسته مرکزی یک نظام اقتصاد اسلامی قلمداد می شود، در حالی که این مسئله به هیچ وجه توصیف کامل و جامعی از کل نظام و یا حتی بانکداری اسلامی نیز بدست نمی دهد.» (شعبانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷)

۲) عدم کارایی حیل الربا در نظام پولی و مالی اسلامی:

یکی از مباحث چالشی در فقه امامیه، مسئله حیل الرباست؛ فارغ از اختلافی که در اصل جواز حیل الربا میان فقهاء وجود دارد. سوال این است که بر فرض جواز آن به صورت کلی، آیا اجرای راه های فرار از ربا در سطح گسترده و کلان مثل نظام بانکی کارایی دارد و به نفع اقتصاد کشور است یا نه؟

۱. مشهور فقهاء آنها را جایز می دانند ولی امام ره آن را به طور کلی ممنوع اعلام کرده اند؛ (ایشان در کتاب البیع گفته است: «روایاتی که درباره حیل الربا وارد شده علاوه بر ضعیف بودن برخی از آنها و اینکه مرجع بخشی از به محمد بن اسحاق عمار می رسد؛ کسی که صدوق به واقفی بودنش قائل شده و علامه حلی نیز در روایات او توقف کرده است؛ همینطور معارض بودن آنها با برخی دیگر و اختلاف متون آنها؛ مخالف با قرآن است که ربا را ظلم شمرده. و روشن است که زیادی در مال به خاطر زیادی در مدت به هر نحوی که باشد در

برخی از فقهاء و کارشناسان بانک‌داری اسلامی، طوری با عقود اسلامی و حیل الربا برخورد می‌کنند که گویا از احکام لزومی و تکلیفی هستند و باید حتماً از این عقود و حیل آنها استفاده شود. اولاً اصل جواز حیل الربا معلوم نیست و دچار خدشه است، ثانیاً بر فرض جواز با توجه به تجربه این چهل سال اجرای عملیات بانکداری بدون ربا در کشور نشان داده که این روش‌ها بر خلاف کارایی اقتصادی و عدالت اجتماعی است و در عمل همان ظلم و فساد است که ربا به خاطر آنها حرام شده، بوسیله این حیل الربا نظام بانکی کشور بوجود می‌آید.

بنابراین باید اولاً در خود این عقود اسلامی بازنگری شود که کدامیک از اینها می‌تواند در سطح گسترده مورد استفاده گردد؛ ثانیاً عقود جدیدی که مخالف با شرع و منافع اقتصادی نباشد، تاسیس شود؛ ثالثاً کیفیت و نحوه کاربرد این عقود در سطح عمومی بررسی شود. زیرا چه بسا ممکن است قواعد عقود معاملات در سطح عمومی با معاملات در بازار متفاوت باشد. رابعاً کارکرد حیل الربا به طور کلی در عقود بانکی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و در صورت مغایرت با مصالح اقتصادی کاملاً کنار گذاشته شود. (شعبانی، ۱۳۹۲)

عرف ربا شمرده می‌شود علاوه بر اینکه این حیل الربا مخالف با ادله حرمت ربا در روایات می‌باشد؛ مانند این روایت که فرمود: خداوند عز و جل ربا را حرام کرد تا مردم انجام از کارهای معروف خودداری نکنند، یا این روایت که فرمود: «اگر ربا حلال بود مردم تجارت را رها میکردند» کتاب البیع ج ۵ ص ۵۲۹

جمع بندی و نتیجه گیری:

با توجه به مطالب گذشته نتایج زیر را می توان بیان کرد:

- ۱) تجربه چهل ساله اجرای قانون بانکداری بدون ربا در کشور، نشان می دهد که با وجود پیشرفت هایی که در عرصه بانکداری اسلامی در کشور رخ داده است؛ اما با اشکالات فراوانی روبروست.
- ۲) اشکالات نظام بانکداری بدون ربا در ایران به دو نوع روبنایی و زیربنایی تقسیم می شود. نوع اول که عمده تلاش های صورت گرفته در بانکداری بدون ربا در همین زمینه است، به سه ناحیه ضعف های قانون عملیات بانکداری بدون ربا، ضعف مجریان و ضعف در شیوه اجرا مربوط می شود.
- ۳) اصلی ترین آسیب نظام بانکی کشور که در طول این سالها از آن غفلت شده، اشکالات مربوط به ساختار بانکها است.
- ۴) اشکالات ساختاری دو ریشه مهم دارد: اول) چالش های مربوط به ماهیت بانکداری و دوم) ناسازگاری سازمانی بانکها با نظام غیر ربوی.
- ۵) از میان دو ریشه فوق، مهم ترین منشا در راه اسلامی شدن و غیر ربوی بودن بانکها ساختار خود بانکهاست؛ یعنی ساختار بانک طوری است که اگر ربا را از آن بگیری این ساختار فرو می ریزد، زیرا بانکها به عنوان یکی از نهادهای مالی اصلی، با جذب سپرده ها، اعطای وام های کوتاه مدت، مدیریت نقدینگی و معاملات بین بانکی، نقش مهمی در بازار پولی ایفا می کند و اصلی ترین هدف این اقدامات کسب سود است و این هدف تنها با بهره (قیمت پول) محقق می شود. به عبارت دیگر ساختار بانک و رکن آن یعنی بهره، کاری با بخش واقعی اقتصاد و کسب درآمد و سود ندارد، مهم همان بهره است.
- ۶) در نظام اقتصادی اسلام، پول هیچ قیمتی ندارد و تا زمانی که این پول در بخش واقعی منجر به درآمد و ارزش افزوده نشده، چیزی عائد تسهیلات گیرنده نیاید، نمی توان به سپرده گذار، سودی داد. به عبارت دیگر در اسلام مبادله پول با پول با یک ارزش بالاتر بدون اینکه آن پول ارزشی بیفزاید جایز نیست. بنابراین هر نظام پولی در اسلام برای سود دادن به سپرده گذاران باید مرتبط با بخش واقعی باشد و چنین نظامی در قالب بانک نمی گنجد، زیرا ساختار بانک هیچ کاری با بخش واقعی ندارد و تجربه این چهل ساله نیز عدم توانایی بانک در چنین کارکردی را نشان داده است.

(۷) به نظر می‌رسد همه عقود مالی اسلامی از جمله، مضاربه، مشارکت، مراهجه و ... در بستر بخش واقعی اقتصاد می‌تواند ابزار کسب سود باشد و نمی‌توان انتظار کارایی در بخش پولی را از آن داشت. عدم توجه به این نکته مهم باعث شده است که اولاً اکثر این عقود در نظام بانکی به طور صوری انجام گیرد و باطل گردد و ثانیاً کارایی اقتصادی لازم را نداشته، نتواند در خدمت رشد و توسعه اقتصادی کشور قرار گیرد. پیشنهاد این است که پس از شناخت واقعی ماهیت این عقود، بستر واقعی برای کارکرد آنها در یک نظام پولی مرتبط با بخش واقعی طراحی شود، تا این عقود هم به صورت حقیقی انجام گیرند و هم کارایی اقتصادی داشته باشد. در آخر می‌توان گفت که تمرکز بر اشکالات مبنایی و ساختاری به جای اشکالات سطحی و برطرف کردن آنها عملکرد بانک‌های کشور را از لحاظ مطابقت با شرع و کارایی اقتصادی خیلی بهبود خواهد داد.

منابع

- (۱) کتاب البیع، روح الله الموسوی الخمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، اول، ۱۳۷۷
- (۲) ربا و بانک‌داری اسلامی، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، دوم، ۱۳۸۹
- (۳) بانک‌داری اسلامی مبانی نظری تجارب عملی، سید عباس موسویان، حسین میثمی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول، ۱۳۹۵
- (۴) اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانک‌داری بدون ربا، سید عباس موسویان، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹
- (۵) فقه معاملات بانکی، سید عباس موسویان، حرمت الله رضا زاده، انتشارات زمزم هدایت، قم، ۱۳۹۴
- (۶) مقدمه‌ای بر بانک‌داری بدون ربا در ایران، سید عباس موسویان، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳
- (۷) بانک‌داری اسلامی رویکردی اقتصادی و فقهی، احمد شعبانی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲

۱. البته این مطلب مهم و دقیقی است و نیازمند پژوهش مستقلی است و چندان روی آن کار نشده است. (مؤلف)

- ۸) بررسی فقهی و حقوقی جریمه تاخیر، محمدرضا مالک، نشر رسم وفا، قم، ۱۴۰۰
- ۹) پول و بانکداری اسلامی، جواد ایروانی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۵
- ۱۰) پول و بانکداری و نهادهای مالی، احمد مجتهدی، علی حسن زاده، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰
- ۱۱) تحلیل و نقد نظام مالی رایج، گروه نویسندگان به سرپرستی غلامعلی معصومی نیا، نشر رسم وفا، قم، چاپ اول ۱۴۰۰
- ۱۲) اقتصاد پول و بانکداری، حمید بهمن پور، سعید مشیری، نشر نی، تهران، چاپ سوم ۱۳۹۴
- ۱۳) صمصامی، حسین، کیانپور، فرشته (۱۳۹۴)، «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، ص ۱۰۹ - ۱۳۰
- ۱۴) اصغری، محمود (۱۳۸۴) «گذری بر اهداف بانکداری بدون ربا»، اندیشه حوزه، شماره ۵۳.

